

اتحاد و انسجام اسلامی در آئینه چهل حدیث (چهل آئینه، چهل اسرار)

بشیر احمد*

چکیده

در این مقاله باتوجه به نیاز مبرم جامعه به اتحاد اسلامی، مجموعه‌ای از احادیث که دارای مضمون و پیام واحد و مشترک درباره اتحاد اسلامی می‌باشد، از منابع اولیه فریقین ذکر شده است. در مجموع، این احادیث بیانگر مبانی، عوامل، محورها، زمینه‌ها، آثار، راه کارها، حدود و شیوه‌های... اتحاد اسلامی و نیز مبین زمینه‌ها و پیامدهای... اختلاف و تفرقه می‌باشد.

کلید واژه‌ها: چهل حدیث، اتحاد و انسجام اسلامی، اختلاف و تفرقه، منشور اتحاد اسلامی.

مقدمه

دعوت به اتحاد و برادری در میان مسلمانان و دوری از تفرقه و پراکندگی، بارها در کلام الهی بر آن تأکید شده است. قرآن کریم مسلمانان را دعوت می‌کند به ریسمان خداوندی چنگ زنند تا دچار تفرقه نشوند؛ «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا...» (آل عمران/۱۰۳). همه مسلمین از هر نژاد و طایفه و فرهنگ، امت واحدی هستند؛ «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً...» (انبیاء/۹۲) و فرقی میان عرب و عجم نیست؛ تفاخر و برتری‌های قومی، نژادی و زبانی همگی باطل بوده و تنها ملاک برتری تقوا و پرهیزگاری است؛ «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» (حجرات/۱۳). پیامبر اکرم ﷺ نیز از آغاز دعوت خود تا زمان رحلت، منادی وحدت بوده و دعوت آن حضرت فراتر از هرگونه مرزبندی سیاسی، قومی و فرهنگی بود.

* محقق و نویسنده.

پیامبر اسلام ﷺ همواره در اندیشه و عمل برای وحدت و یکپارچگی مسلمان تلاش می نمود و مبارزه با عوامل اختلاف و سعی در ایجاد همبستگی و اتحاد امت اسلامی از برنامه های اولیه و اساسی او بود. علی رضی الله عنه درباره تلاش پیامبر ﷺ برای ایجاد وحدت و هم دلی بین مسلمانان می فرماید:

«قد صُرفت نحو أفئدة الابرار، و تُنت إليه أزيمة الأبصار، ذفن به الضغائن، و أطفأ به الثوائر، ألف به اخواناً، و فرق به أقراناً، أعزبه الذلة، و أدل به العزة...؛ دل های نیکوکاران شیفته او گشت، نگاه ها به او دوخته شد، خداوند به وسیله او کینه های دیرینه را دفن کرد، شعله های فروزان دشمنی و عداوت را خاموش نمود، دل ها را با هم الفت داد، و مردم را با هم برادر ساخت، و دوستان (در کفر و جهالت) را از هم جدا کرد، ذلت ها را به عزت و عزت ها را به ذلت، تبدیل کرد.» (نهج البلاغه، ۱۴۱، خ ۹۶).

«... فَلَمَّ اللهُ به اصدع، و وَرَّتَق به الفتق، و ألف به الشَّمَل بین ذوی الأرحام بعد العداوة الواغرة فی الصدور، و الضغائن القادحة فی القلوب؛ خداوند به وسیله پیغمبر جدایی ها را وصل، و فاصله ها را پیوسته کرد، میان خویشان ألفت داد و یگانگی برقرار ساخت پس از آن که دشمنی ریشه دار در سینه ها و کینه های برافروخته در دلها جای داشت.» (پیشین، ۳۵۳، خ ۲۳۱).

ولی نباید تصور کرد وحدتی را که پیامبر به وجود آورد بدون زحمت و تلاش بوده است شهید مطهری در این باره می گوید: «ما می گوئیم پیغمبر وحدت بی نظیری ایجاد کرد و خیال می کنیم تنها چیزی که مؤثر بود این بود که رسول اکرم ایمان به خدا به آنها یاد داد و بعد هم فرمان داد متحد باشید و آنها متحد شدند، فکر نمی کنیم که موانع و عوائق اتحاد را که همان ناهماهنگی ها و ناهموازی ها و پستی و بلندی ها و دست اندازها از ناحیه مواهب اجتماعی بود از بین برد، هم مقتضی را ایجاد کرد و هم مانع را مفقود کرد.» (مطهری، ج ۹، ص ۱۵۰ و ۱۵۱).

امروز یکی از نیازهای اولیه و اساسی جهان اسلام بازگشت به اتحاد و اتفاق و اقتدار و وحدتی است که پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله برای بنیان نهادن آن زحمات طاقت فرسایی را متحمل شد. شخصیت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله هم اساسی ترین محور اتحاد مسلمین می باشد.

رهبر معظم انقلاب اسلامی می فرماید: «یکی از عواملی که می تواند در این زمینه [اتحاد بین ملت های اسلامی] مرکز باشد عبارت است از وجود مقدس نبی اکرم صلی الله علیه و آله. (دیدار با کارگزاران نظام و میهمانان خارجی کنفرانس بین المللی وحدت اسلامی ۱۳۷۴/۵/۲۴).

«آن چه که همه مسلمان ها از لحاظ فکر و اعتقاد وحدت و تفاهم، روی او اشتراک دارند وجود

مقدس پیامبر خاتم و نبی اکرم حضرت محمد بن عبدالله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است. این نقطه را باید بزرگ شمرد.»
(سخنرانی در جمع قاریان چهل کشور جهان، ۱۳۶۸/۱۲/۴).

پس خداوند توسط پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ همه دعاوی مبتنی بر فرقه‌گرایی، تفاخر و تعصب‌ورزی‌های فاقد اساس و بنیان‌های مشروع و معقول را درهم شکست. در عصر کنونی هم گفتار، رفتار و شخصیت اجتماعی، سیاسی و... ایشان می‌تواند دیوارهای تعصب، تفاخر و فرقه‌گرایی را درهم شکند و اتحاد و انسجام اسلامی را به وجود آورد.

قبل از پرداختن به اصل مطلب ذکر چند نکته ضروری است:

۱. از مجموع چهل حدیث ذکر شده، ۳۷ حدیث از شخص پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل شده و تریب احادیث نقل شده از آن حضرت به این شکل است که اول احادیث کتاب‌های فریقین، سپس احادیث کتاب‌های اهل تشیع و اهل تسنن و در نهایت نیز برخی از احادیث ائمه معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَام ذکر گردیده است.

۲. برای هر یک از احادیث عنوانی متناسب با مضمون آن ذکر و در ذیل آن شرحی کوتاه بیان شده است.

۳. در شرح احادیث، از اقوال برخی از متفکران و بزرگان اسلامی و منادیان وحدت و انسجام اسلامی استفاده شده است.

۴. در پاورقی برخی از احادیث برای واژه‌های ناآشنا و غیر مأنوس و یا چند معنایی توضیحی ارائه شده است.

۵. در بعضی از پاورقی‌ها احادیث مشابه ذکر شده است.

۶. در ذیل برخی از منابع عبارت «با اندکی تفاوت» نقل شده است که مراد از آن این است که تفاوت حدیث مذکور در این منبع از جهت کم و زیاد بودن بعضی از کلمات و یا جابجایی آنها است نه از لحاظ مفهوم و مضمون آن.

۱. منشور اتحاد اسلامی

«قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّ رَبَّكُمْ وَاجِدٌ وَإِنَّ آبَاءَكُمْ وَاجِدٌ كُلُّكُمْ لِأَدَمَ وَادُّمُ مِنْ تُرَابٍ إِنَّ أكرمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَنْتَأَكُمُ

وَأَيْسَ لِعَرَبِيٍّ عَلِيٌّ عَجَمِيٌّ فَضْلٌ إِلَّا بِالتَّقْوَى.

پیامبر اکرم ﷺ فرمود:

ای مردم! پروردگار شما یکی است، پدران شما یکی است، همه از آدم هستید و آدم از خاک است، کسی از شما نزد خدا گرامی تر است که پرهیزگار تر است. عرب بر عجم برتری ندارد مگر پرهیزگارتر باشد.» (حرانی، ۱۳۹۴ ق، ص ۴؛ با اندکی تفاوت: معالم الحکومه، ص ۴۰۴؛ بلاغة الامام علی بن الحسین عليه السلام، ص ۵۵، باب الخطب؛ با اندکی اختلاف: سیوطی، ۱۴۱۴ ق، ج ۳، ح ۷۵۳۶، ص ۱۰۰).

در این حدیث، درون مایه اصلی وحدت و صمیمیت و اتحاد مسلمانان از هر قوم و نژاد و ملت را تقوا دانسته است، چون هرچه ایمان، باور و عمل خالص شود و تقوای الهی بیشتر گردد، مهر و محبت افزایش می یابد و دل ها به هم پیوند خورده و به وحدت و صمیمیت و اتحاد می رسند. علاوه بر این، باید توجه داشت که ریشه اصلی تفرقه در جامعه اسلامی دربی تقوایی افراد نهفته است. امام خمینی رحمته الله علیه می گوید: «... همین نژادبازی که اسلام قلم سرخ روی آن کشیده و ما بین سیاه و سفید و ما بین ترک و عرب و عجم هیچ فرقی نگذاشت و فقط میزان را تقوای واقعی قرار داد. إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ».

از دیدگاه اسلام، تعصبات نژادی و گرایش های نامعقول و تند و افراطی نسبت به زبان و قوم و ملیت خویش یکی از بزرگ ترین موانع اتحاد مسلمانان محسوب می شود.

۲. رمز اتحاد اسلامی

«قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:
الْمُسْلِمُونَ إِخْوَةٌ لَا فَضْلَ لِأَحَدٍ عَلَى أَحَدٍ إِلَّا بِالتَّقْوَى.»

پیامبر اکرم ﷺ فرمود:

مسلمانان با هم برادرند و هیچ کس بر دیگری برتری ندارد، جز به تقوا. (متقی هندی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱، ص ۱۴۹؛ نهج الفصاحه، ح ۳۱۱۲؛ سیوطی، پیشین، ج ۷، ح ۲۳۵۳۸، ص ۴۴۴).

اخوت و برادری عاطفی ترین و صمیمی ترین نوع رابطه ای است که بین مسلمانان وجود دارد و پیامبر خواسته تا به بهترین وجه مسلمان ها را به هم پیوند دهد. قرآن نیز رمز وحدت مسلمانان را اخوت و برادری دانسته است؛ «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» (حجرات/۱۰).

رهبر معظم انقلاب (دامت برکاته) می گوید: «یکی از کارهایی که پیامبر، شاید در همان ماه های اول ورود به مدینه انجام دادند، ایجاد عقد اخوت بین مسلمان ها بود؛ یعنی مسلمان ها را باهم برادر

کرد. این که می‌گوییم باهم برادر هستیم، در اسلام یک تعارف نیست؛ یعنی حقیقتاً مسلمین نسبت به یکدیگر دارای حق برادری هستند و نسبت به هم طلب‌کارند؛ هم‌چنان که برادران نسبت به هم مدیون یکدیگر هستند و باید نسبت به هم حقوق متقابلی را عمل کنند. پیامبر، این را عملی کرد. (به نقل از منشور اتحاد ملی و انسجام اسلامی؛ سبزیان، خرداد ۱۳۸۶ش، ص ۱۵۸-۱۵۹).

اقبال لاهوری یکی از متفکران جهان اسلامی این حدیث را در قالب شعر این‌چنین بیان می‌نماید:

هدف نمایی فطرت و رمز مسلمانی چیست جهان‌شمولی اخوت و فراوانی محبت
(بقائی ماکان، ۱۳۸۰ش، ص ۵۲)

۳. مشارکت و اتحاد اسلامی

«قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:
الْمُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِ كَالْبُنْيَانِ الْمَرْصُوصِ يَشُدُّ بَعْضُهُ بَعْضًا.
پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود:

مؤمن نسبت به مؤمن مانند بنای استواری است که اجزای آن، یکدیگر را استحکام می‌بخشند.»
(صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۹۹۹؛ نهج‌الفصاحه، حدیث ۳۱۰۳؛ سیوطی، پیشین، ج ۳، ح ۲۳۴۵۲، ص ۴۳۲؛ رازی، ج ۲، ص ۴۵۰) (در دو منبع اخیر کلمه «المرصوص» نیامده است).

در این مثال، بر وحدت مسلمین تأکید شده است. همان‌طور که یک ساختمان محکم توسط اجزای مختلف و متفاوت به وجود آمده هدف واحدی را تشکیل می‌دهد، مؤمنین و مسلمانانی که از اقوام، نژادها و سرزمین‌های مختلف هستند نیز همانند یک ساختمان محکم به هم پیوستگی دارند و هدف واحدی را که همان اعتلای کلمه توحید است، دنبال می‌کنند. می‌توان گفت که پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ می‌خواهد مسلمانان در همه امور با یکدیگر مشارکت و معاونت نمایند تا بتوانند در سایه این مشارکت و همکاری دین و ایمان خود را حفظ کنند و نگذارند اجانب بر آنان تسلط پیدا نمایند.

۴. ضامن و بقای اتحاد اسلامی

«قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:
خَيْرُ الْمُؤْمِنِينَ مَنْ كَانَ مَأْلَفَةً لِلْمُؤْمِنِينَ وَ لَا خَيْرَ فِيمَنْ لَا يَأْلَفُ وَ لَا يُؤْلَفُ.»

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

بهترین مؤمنان، کسی است که محور الفت مؤمنان باشد، کسی که انس نگیرد و با دیگران مأنوس نشود خیری ندارد.» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۷۱، ص ۳۹۳؛ با اندکی تفاوت: سیوطی، ج ۳، ح ۲۳۴۶۴، ص ۴۳۴).
شکی نیست که محبت و دوستی یکی از عوامل و رموز اتحاد و انسجام دل‌ها است. جامعه‌ای که مهر و مودت و دوستی در آن حاکمیت و محوریت پیدا می‌کند از هر نوع اختلاف و فساد دور می‌ماند. محبت نه فقط فرد را به تعالی می‌رساند بلکه ضامن سلامتی و پیشرفت یک جامعه و ملت است. پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نه تنها از مؤمنین و مسلمین محبت و دوستی یک‌دیگر را خواستار است، بلکه تأکید می‌کند که محور محبت و الفت دیگران قرار بگیرید تا هر یک از شما بتواند هم‌بستگی نسبت به یک‌دیگر را حفظ نماید.

۵. امداد الهی در سایه اتحاد اسلامی

«قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

مَا كَانَ اللَّهُ لِيَجْمَعَ هَذِهِ الْأُمَّةَ عَلَى الضَّلَالَةِ أَبَدًا، وَيُدَّ اللَّهُ عَلَى الْجَمَاعَةِ... فَعَلَيْكُمْ بِسَوَادِ الْأَعْظَمِ، فَإِنَّهُ مِنْ شَدِّ شَدِّ فِي النَّارِ؛

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

خداوند هیچ‌گاه اجتماع این امت را بر گمراهی و ضلالت قرار نداده است، که دست خدا با جماعت است... پس به جمعیت عظیم مسلمانان ببیونددید، همانا انسان تنها بهره آتش است.» (ابن ابی عاصم، ج ۱، ح ۶۸، ص ۹۰؛ با اندکی تفاوت: نهج الفصاحه، ۳۲۱۱، ص ۸۸).

امام خمینی رَحِمَهُ اللهُ می‌گوید: «باید همه دست به هم بدهند، هر کسی به مقداری که قدرت دارد، خیال نکند یک نفر است وقتی پهلویش نفرها واقع شد هم‌چون قطره‌های متصل سیل می‌شود و چون سیل‌ها با هم متحد شدند دریا درست می‌شود. جماعت وقتی که باهم شد پشتیبانشان خدای تبارک و تعالی است: يَدْ اللَّهُ مَعَ الْجَمَاعَةِ». (امام خمینی، صحیفه نور، ج ۶، ص ۷۹).

قرآن هم بر این امر تأکید می‌ورزد: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا... (آل عمران/۱۰۳).

اقبال لاهوری این حدیث را در اشعارش این‌چنین می‌سراید:

حز جَانِ كُنْ كَافَّةً خَيْرِ الْبَشَرِ هست شيطان از جماعت دورتر

(اقبال لاهوری، ۱۹۹۷م، ص ۴۷).

۶. اتحاد اسلامی، رحمت الهی

«قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:
الْجَمَاعَةُ رَحْمَةٌ وَالْفُرْقَةُ عَذَابٌ.»

پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود:

جماعت (وحدت)، مایه رحمت و تفرقه موجب عذاب است.» (ابن ابی عاصم، ج ۱، ص ۱۰۴؛ نهج
الفصاحه، ح ۱۳۲۳).

پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وحدت و انسجام مسلمین را همانند کتاب خدا، مایه رحمت شمرده و حتی
مؤمنین را منشا رحمت دانسته است؛ از این رو دوری و تفرقه مسلمین جز عذاب و ذلت چیزی
نیست. مسلمان به هر اندازه‌ای که به جماعت مسلمین پیوند داشته باشد استقلال و استحکام خواهد
داشت ولی دوری از این جماعت باعث نکبت و خواری او می‌گردد. در عصر کنونی سلطه سیاسی،
نظامی و به ویژه فرهنگی از سوی اجانب و قدرت‌های استکباری و استعماری در بسیاری از مناطق و
کشورهای اسلامی نمونه‌ای از عذاب و مشکلاتی است که در تفرقه و عدم اتحاد مسلمین نهفته
است؛ از این رو رهایی همه جانبه مسلمانان از سلطه‌گری بیگانگان در سایه اتحاد اسلامی میسر
است که از آن به رحمت یاد شده است.

اقبال لاهوری اشاره ظریفی در بیانات خویش به رحمت بودن وحدت مسلمین را دارد، می‌فرماید:

فرد را ربط جماعت رحمت است جوهر او را کمال از ملت است
تا توانی با جماعت یار باش رونق هنگامه احرار باش

(اقبال لاهوری، پیشین، ص ۷۷).

۷. وحدت ستیزی، گسستن از اسلام

«قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:
مَنْ فَارَقَ الْجَمَاعَةَ شَبِيرًا خَلَعَ اللَّهُ رِبْقَةَ الْإِسْلَامِ مِنْ عُنُقِهِ.»

پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود:

۱- الرِّبْقَةُ: در واقع نام حلقه ای است در ریسمان که به گردن یا پای حیوان می‌بندند برای نگهداری او، و در این جا به
عنوان استعاره برای اسلام آمده است؛ یعنی مسلمان توسط حلقه‌های اسلام جان و ایمان خویش را مراقبت می‌کند که
این حلقه‌ها عبارت است از: حدود، احکام، امر و نهی‌های آن. (ابن ابی عاصم، ج ۲، ص ۴۲۱).

هر کس یک وجب از جامعه «مسلمین» دور شود خداوند رشته مسلمانی را از گردن او باز کند.» (کلینی، ۱۳۶۵ ش، ج ۱؛ نهج الفصاحه، ۲۷۶۹؛ ابن ابی عاصم، ج ۲، ص ۴۲۱ با اضافه چند کلمه، و مجلسی، پیشین، ج ۲۷، ص ۷۳).

در این حدیث به وحدت‌ستیزی اشاره شده است و پیامبر اکرم حتی یک وجب گسستگی و دوری از جماعت مسلمین را مساوی با گسستگی از اسلام دانسته است؛ یعنی مسلمان بودن به اتحاد و انسجام با مسلمانان مقید شده است؛ از این رو کسی که در پی اختلاف باشد از چارچوب اسلام خارج گشته است. قرآن کریم هم تفرقه و پراکندگی را یکی از صفات و برنامه‌های مشرکین اعلام می‌نماید: «وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ * مِنَ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيْعًا» (روم/۳۱ و ۳۲).

۸. نماد اتحاد مسلمین

«قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسَةِ: عَلَى أَنْ يُوحَدَ اللَّهُ وَ أَقَامَ الصَّلَاةَ وَ آتَاءَ الزَّكَاةَ وَ صِيَامَ رَمَضَانَ وَ الْحَجَّ.

پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود:

اسلام بر پنج پایه نهاده شده است: توحید و یکی دانستن خدا، برپاداشتن نماز، پرداختن زکات، روزه ماه مبارک رمضان و حج بیت الحرام.» (صحیح مسلم، ج ۱، ص ۴۵. در کتاب‌های شیعه‌ای به جای کلمه «توحید»، لفظ «ولایت اهل‌بیت» ذکر شده است؛ ر.ک: شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق، ص ۳۵۳).

در این حدیث به نمادهای اساسی و بنیادی اتحاد و انسجام اسلامی اشاره شده است. توحید، نماز، زکات، روزه و حج همه سمبل و نماد وحدت می‌باشند.

امام خمینی رَحِمَهُ اللَّهُ در این باره می‌گوید: «وحدت کلمه، در زیر لوای توحید قابل جمع است.» رهبر معظم انقلاب نیز می‌گوید: «جای‌جای حج، مظهر اتحاد و انسجام اهل‌قبله و رنگ‌باختن تفاوت‌های طبیعی و اعتباری و برجسته شدن وحدت و برادری حقیقی و ایمانی آنها است.» (پیام حج، ۴ ذی‌الحجه ۱۴۲۸).

شهید مطهری درباره این نماد وحدت می‌گوید: «حج رمز ریختن و شکستن تعینا و غلاف‌ها و حصارهای خیالی و اعتباری است. همه دور یک خانه طواف کردن، رمز هدف واحد، فکر واحد و ایده واحد است.» (جاوید موسوی، ۱۳۸۶ ش).

اقبال لاهوری در اشعار خویش این نماد را باعث دوام امت مسلمان می‌داند:

روزگارش را دوام از مرکزی
سوز ما هم ساز ما بیت الحرام

قوم را ربط و نظام از مرکزی
راز دارد راز ما بیت الحرام

(اقبال لاهوری، پیشین، ص ۲۷۶).

۹. تفرقه، مرگی جاهلان

«قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

مَنْ فَارَقَ الْجَمَاعَةَ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً.

پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود:

هر کس از گروه مسلمانان جدا شود بر مرگ جاهلیت بمیرد،» (نهج الفصاحة، ۲۸۵۵؛ مسند ابن راهویه، جزء ۱، ص ۱۹۲؛ لابن ابی عاصم، ج ۱، ح ۷۸، ص ۱۰۰ و ج ۲، ح ۷۵۰ ص ۴۲۹، با اضافه جمله «من خرج عن الطاعة» در اول حدیث).

کسی که همراه جماعت مسلمین نباشد نمی‌تواند شناخت و معرفت خوبی نسبت به رفتار و سلوک فردی و اجتماعی مسلمانان داشته باشد و همیشه در جهالت و گمراهی خواهد ماند و هیچ‌گاه به حقیقت و واقعیت دست پیدا نخواهد کرد و مرگ در چنین حالتی جز مرگ جاهلیت نخواهد بود. در مقابل، اگر انسان با جماعت باشد و رفتار، کردار و اعتقادات آنها را بشناسد می‌تواند به حقیقت برسد و مرگ او هم عالمانه خواهد بود.

۱۰. هم‌بستگی، حیات جامعه مسلمین

«قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

الْمُسْلِمُونَ كَالرَّجُلِ الْوَاحِدِ إِذَا اشْتَكَى عَضُو مِنْ أَعْضَائِهِ تَدَاعَى لَهُ سَائِرُ جَسَدِهِ.

پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود:

مسلمانان نسبت به هم‌دیگر هم چون یک مرد هستند که هرگاه عضوی از اعضای او دردمند شود، اعضای دیگر او نیز احساس درد می‌کنند.^۱» (متقی هندی، پیشین، ح ۷۵۹؛ با اندکی تفاوت: سیوطی، پیشین، ح ۲۳۴۷۰ و ۲۳۴۷۱ و ۲۳۴۵۷، ص ۴۳۳ و ۴۳۵؛ نهج الفصاحه، ح ۱۱۳۹ و ۳۱۰۶، ص ۵۲۷ و ۵۳۰).

۱- مضمونی مشابه این حدیث در کتاب‌های دیگر مانند صحیح بخاری، ص ۳۷ و مسند احمد بن حنبل، ج ۴ ص ۲۷ این چنین آمده است: «مَثَلُ الْمُؤْمِنِينَ فِي تَوَادِهِمْ وَ تَرَاحُمِهِمْ وَ تَعَاطُفِهِمْ كَمَثَلِ الْجَسَدِ الْوَاحِدِ إِذَا اشْتَكَى مِنْهُ عَضُو تَدَاعَى لَهُ سَائِرُ الْجَسَدِ بِالسَّهَرِ وَ الْجَمَى»؛ به نقل از: امیر اردوش، ۱۳۸۴ ش، ص ۱۹.

در این حدیث، وحدت و همبستگی جامعه مسلمانان به وحدت و همبستگی اعضای انسان تشبیه شده است. شهید مطهری در توضیح این حدیث می‌گوید: «یکی از علایم حیات جامعه این است که همبستگی میان افرادش بیشتر است. خاصیت مردگی متلاشی شدن و متفرق شدن و جدا شدن اعضا از یکدیگر است. خاصیت اجتماع، همبستگی و پیوستگی بیشتر اعضا و جوارح آن اجتماع است. (مطهری، ۱۳۸۰ ش، ص ۲۲).

سعدی این حدیث را در قالب شعر به این صورت بیان نموده است:

بنی آدم اعضای یکدیگرند که در آفرینش ز یک گوهرند
چون عضوی به درد آورد روزگار دگر عضوها را نماند قرار

۱۱. آثار اتحاد اسلامی

«قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

الْمُسْلِمُ مَنْ سَلِمَ الْمُسْلِمُونَ مِنْ لِسَانِهِ وَيَدِهِ وَالْمُؤْمِنُ مَنْ أَمَنَهُ النَّاسُ عَلَى دِمَائِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ. پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود:

مسلمان کسی است که مسلمانان از دست و زبانش در امان اند و مؤمن کسی است که مردم او را بر جان و مال خویش امین بدانند.» (سیوطی، پیشین، ج ۷، ح ۲۳۵۲۶، ص ۴۴۴؛ ابو عبدالله محمد بن اسماعیل، ج ۱، ص ۹۸ و ۷، ص ۱۸۶؛ صحیح مسلم، پیشین، ج ۱، ح ۵۰۰۶، ص ۱۱۴۵؛ ترمذی، ج ۹، ح ۲۵۵۱، ص ۲۱۵؛ نسائی، ج ۱۴۲۱، ح ۵۰۰۶؛ ابن حنبل، جزء ۱۷، ح ۸۵۷۵، ص ۱۱۷ و جزء ۴۸، ح ۲۲۸۴۱، ص ۴۲۶، ۷۹، ۱۳۳ و ۱۹۷ و ج ۱۸، ص ۱۱۷؛ با اندکی تفاوت: نهج الفصاحه، ح ۲۱۶۶، ص ۷۰؛ معانی الاخبار، ص ۲۳۹).

این حدیث بیان‌گر اثرات وحدت و همبستگی مسلمین است، زیرا بر اثر تعلیمات اسلامی یک فرد مسلمان و مؤمن در پی سلامتی دیگر مسلمانان می‌باشد. همچنین بیان‌گر رفتار اجتماعی مسالمت‌آمیز یک فرد مؤمن و مسلمان در سطح کلان جامعه مسلمین است که در نهایت این نوع رفتار در بین مسلمانان چیزی جز وحدت، هم‌دلی و اعتماد به یکدیگر را در پی نخواهد داشت. اقبال لاهوری درباره هم‌زیستی مسالمت‌آمیز می‌گوید: «معنی هم‌زیستی مسالمت‌آمیز این است که به کسی نگوئیم خط و ربطت باطل است. اختلاف نباید سبب شود سر یکدیگر را بشکنیم.» (بقای ماکان، پیشین، ص ۳۰۴).

فطرت مسلم سراپا شفقت است در جهان دست و زبانش رحمت است

(اقبال لاهوری، پیشین، ص ۲۶۷).

۱۲. پرهیز از دشنام و لعن

«قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

سِبَابُ الْمُسْلِمِ فُسُوقٌ وَقِتَالُهُ كُفْرٌ

پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود:

دشنام دادن به مسلمان فسق است و کشتن او مساوی با کفر است.» (ابو عبدالله محمد بن اسماعیل، ج ۱، ص ۱۷ و ج ۷، ص ۸۴ و ج ۸، ص ۹۱؛ صحیح مسلم، پیشین، جزء ۱، ح ۹۷، ۲۰۲؛ ترمذی، جزء ۷، ح ۱۹۰۶، ص ۲۵۵ و جزء ۹، ح ۲۵۵۸، ص ۲۲۵؛ نسائی، پیشین، ح ۴۱۰ تا ۴۱۹، ص ۹۸۰ تا ۹۸۱؛ قزوینی، ۱۴۱۵ق، جزء ۱، ح ۶۸ ص ۷۸ و جزء ۱۱، ح ۳۹۲۹ تا ۳۹۳۱، ص ۴۲۷ تا ۴۲۹؛ ابن حنبل، جزء ۳، ح ۴۵۵، ص ۴۶۵ و جزء ۷، ح ۳۴۶۵، ص ۵۰۰ و جزء ۸، ح ۳۷۰۸، ص ۲۴۳ و ح ۳۹۱۰، ص ۴۵۱ و جزء ۹، ح ۴۰۴۱، ص ۷۱؛ کلینی، پیشین، ج ۲، ص ۳۵۹؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲، ص ۲۸۰؛ مجلسی، پیشین، ج ۷۱، ص ۲۴۶، ج ۷۲، ص ۱۴۸ و ۱۵۰؛ با اندکی تفاوت: نهج الفصاحة، ح ۲۲۴۰).

یکی از اسباب اختلاف که در جامعه اسلامی مشاهده می‌گردد دشنام و تکفیر بعضی از گروه‌های مسلمین نسبت به یک‌دیگر است، که برای ایجاد وحدت، پرهیز از آن واجب می‌باشد. تکفیر و دشنام، گروه‌های مسلمان را به انزوا می‌کشاند و جهل، خشم و تعصب را شعله‌ور می‌کند. مسلمانان باید به این حدیث پیامبر توجه کامل داشته باشند. بعضی‌ها کشتن مسلمان را امری پسندیده می‌دانند، غافل از این‌که طبق حدیث پیامبر اسلام آنها خود کافر بوده و مرتکب گناهی بزرگ می‌شوند.

۱۳. زمینه‌ها و مقدمات وحدت

«قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

لِلْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ سِتٌّ بِالْمَعْرُوفِ يُسَلِّمُ عَلَيْهِ إِذَا لَقِيَهُ وَيُجِيبُهُ إِذَا دَعَاهُ وَيُسَمِّتُهُ إِذَا عَطَسَ وَيَعُوذُهُ إِذَا مَرَضَ وَيَتَّبِعُ جَنَازَتَهُ إِذَا مَاتَ وَيُجِبُّ لَهُ مَا يُجِبُّ لِنَفْسِهِ

پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود:

مسلمان را بر مسلمان شش حق است: وقتی او را می‌بیند سلامش می‌گوید و چون دعوتش می‌کند می‌پذیرد و چون عطسه می‌زند، خدا را برایش سپاس می‌گوید و چون بیمار می‌شود، عیادتش می‌کند و چون می‌میرد جنازه اش را تشییع می‌کند و آن‌چه که برای خویش می‌پسندد برای او هم می‌پسندد.» (ترمذی، ج ۹، ص ۳۸۶؛ صحیح مسلم، پیشین، جزء ۱۱، ح ۴۰۳۲، ص ۱۲۷؛ قزوینی، پیشین، ج ۴، ح ۱۴۲۳، ص ۳۶۲؛ ابن حنبل، جزء ۲، ح ۶۳۶، ص ۱۴۲ و جزء ۱۸، ح ۸۴۹۰، ص ۱۳۲؛ جزء ۱۹، ح ۸۹۷۳، ص ۱۶. (در کتاب‌های

مذکور در برخی از احادیث به پنج و در برخی دیگر به چهار حقوق اشاره شده است.) با اندکی تفاوت: نهج الفصاحة، ح ۱۳۹۲ و ۲۲۷۲، ص ۱۹۴.

در این حدیث به برخی از رفتار اجتماعی هم‌چون سلام کردن، عیادت، اجابت دعوت مسلمان، شرکت در تشییع جنازه و... اشاره شده است که یک فرد مسلمان باید در روابط اجتماعی با دیگران به این نوع رفتار توجه داشته باشد زیرا باعث ایجاد صمیمیت و مودت در سطح جامعه شده و هم‌بستگی به وجود می‌آورد.

۱۴. زمینه‌های اختلاف و تفرقه

«قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

لَا تَحَاسِدُوا وَلَا تَنَاجَشُوا وَلَا تَبَاغَضُوا وَلَا تَدَابَرُوا وَلَا يَبِعْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَيْعِ بَعْضٍ وَكُونُوا عِبَادَ اللَّهِ إِخْوَانًا الْمُسْلِمُ أَخُو الْمُسْلِمِ لَا يَظْلِمُهُ وَلَا يَخْذُلُهُ^۲ وَلَا يَحْقِرُهُ...»

پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود:

حسودی مکنید و در معامله هم‌دیگر پا مگذارید و دشمنی مکنید و به هم پشت مکنید و در معاملات با هم دیگر خصومت مکنید. ای بندگان خدا! با هم برادر باشید. مسلمان برادر مسلمان است، به او ظلم نمی‌کند و او را تنها و بی‌یاور نمی‌گذارد! اگر احتیاج به کمک داشته باشد به او کمک می‌کند] و او را تحقیر نمی‌کند.» (صحیح مسلم، پیشین، جزء ۱۲، ح ۴۶۵۰، ص ۴۲۶؛ ترمذی، ج ۷، ص ۱۶۶؛ ابن حنبل، جزء ۱۵، ح ۷۴۰۳، ص ۴۴۳؛ مالک بن انس، ۴۲۴ق، ج ۵، ص ۳۹۶؛ با اندکی تفاوت: نهج الفصاحه، ح ۲۴۴۲ و ۲۴۳۶، ص ۷۰).

حسد، کینه، تجسس، دخالت بی‌جا و... عواملی است که آتش تفرقه را شعله‌ور می‌کند؛ از این رو پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ تأکید می‌کند که از آنها پرهیز گردد.

رهبر معظم انقلاب (دامت برکاته) می‌فرماید: «مردمی که در بین خود دچار حسد باشند، دچار بدخواهی یک‌دیگر باشند، دچار حيله‌گری با یک‌دیگر باشند، دچار حرص به دنیا و غل نسبت به مال دنیا باشند و دچار کینه ورزی با یک‌دیگر باشند در این جامعه حتی اگر قانون هم به طور دقیق عملی

۱- یقال باع فلان علی ببيع فلان: این یک ضرب المثل قدیمی عربی است که برای مردی به کار می‌برند که با صاحبش بر سر چیزی خصومت می‌کند و او از روی نیرنگ می‌خواهد او را مغلوب نماید. وقتی چیزی را با مهارت به دست می‌آورد می‌گویند: باع فلان علی ببيع فلان: (ج ۱۱، ص ۲۰۲، لسان العرب، ج ۸، ص ۲۴-۲۵).

۲- خذل: به معنی ترک معونت و اعانت می‌باشد؛ (پیشین).

شود، سعادت در این جامعه نیست... این جامعه بشری مطلوب نیست، جامعه ای که انسان در آن احساس ناامنی کند، هر انسان احساس کند که به او حسد می‌ورزند، نسبت به او بد دلی دارند، نسبت به او کینه ورزی می‌کنند، برای او توطئه می‌چینند، و نسبت به او و دارایی او حرص می‌ورزند، راحتی در این جامعه نیست.» (سخنرانی در جمع بسیجیان، ۱۳۸۵/۱/۱۶).

۱۵. مبانی حقوقی وحدت مسلمین

«قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

... كُلُّ الْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ حَرَامٌ دَمُهُ وَمَالُهُ وَعِزُّهُ حَسْبُ امْرِئٍ مِنَ الشَّرِّ أَنْ يَحْقِرَ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ.

پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود:

همه چیز مسلمان بر مسلمان حرام است؛ خونش، مالش، آبرویش. برای مرد همین شر بس است که برادر مسلمان خویش را تحقیر کند.» (صحیح مسلم، پیشین، ج ۱۲، ص ۴۲۶؛ ترمذی، پیشین، ص ۱۶۶؛ قزوینی، پیشین، جزء ۱۲، ص ۲۵۷؛ نهج الفصاحه، ح ۲۱۶۶، ص ۷۰ و ۲۴۰).

بسیاری از فقهای اسلامی این روایت را زیربنای روابط اجتماعی و حقوقی به شمار آورده و معتقدند از آن جا که این روایت شامل سه حوزه مال، آبرو و جان مسلمانان می‌باشد، نقشی پایه‌ای در تأمین حقوق هر انسان مسلمان داشته و همه عرصه‌های حقوقی مربوط به فرد را در بر می‌گیرد. جامعه‌ای که بر پایه احترام متقابل و عدم تعرض مستقیم و غیر مستقیم به حقوق دیگران شکل گرفته، جامعه متحد، منسجم و خالی از هر نوع اختلاف و تفرقه است.

۱۶. بهترین مسلمان، اتحاد آور

«قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

الْمُسْلِمُ إِذَا كَانَ مُخَالِطًا النَّاسِ وَيَصْبِرُ عَلَى أَدَاهُمْ خَيْرٌ مِنَ الْمُسْلِمِ الَّذِي لَا يُخَالِطُ النَّاسَ وَلَا يَصْبِرُ عَلَى أَدَاهُمْ.

پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود:

مسلمانی که با مردم بیامیزد و بر آزارشان شکیبایی کند، بهتر است از مسلمانی که با مردم نیامیزد و بر آزارشان شکیبایی نکند.» (ترمذی، ج ۹، ص ۲۴۳۱؛ سیوطی، پیشین، ج ۷، ص ۴۶۲؛ متقی هندی، پیشین، ج ۱، ص ۶۸۶؛ نهج الفصاحه، ح ۳۱۰۸، ص ۳۸۲).

این حدیث بر اختلاط و اجتماع مسلمانان تأکید نموده است. مراد از اجتماع و جماعت مسلمین، همان طور که در برخی از کتاب‌های فریقین آمده است، جماعت اهل حق است.

۱۷. ایمان واقعی در سایه هم‌بستگی

«قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:
لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّى يُحِبَّ لِأَخِيهِ مَا يُحِبُّ لِنَفْسِهِ.

پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود:

هیچ یک از شما مؤمن [واقعی] نمی‌شود تا موقعی که آن‌چه برای خویش دوست دارد برای برادر [مسلمان] خود هم دوست داشته باشد.» (نسائی، پیشین، ح ۵۰۴۹، ص ۱۱۵۴؛ با اندکی تفاوت: نهج الفصاحة، ح ۲۷۰۰، ص ۸۸).

دوست داشتن یکی دیگر از عوامل اتحاد و هم‌دلی محسوب می‌شود. پیامبر اسلام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در این گفتار خویش در پی آن است تا ایمان واقعی مردم را در راستای دوست داشتن یک‌دیگر و خواسته‌های یک‌دیگر ارزیابی نماید. وقتی خواسته‌ها یکی شود دیگر جایی برای تفرقه نخواهد بود بلکه هم‌بستگی تمار عیار بر فرد و جامعه مسلمین حاکم خواهد گشت.

۱۸. راه کارهای اتحاد اسلامی

«قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:
ثَلَاثٌ لَا يُغْلُ عَلَيْهِنَّ قَلْبُ امْرِئٍ مُسْلِمٍ: إِخْلَاصُ الْعَمَلِ لِلَّهِ وَ النَّصِيحَةُ لِأَيُّمَةِ الْمُسْلِمِينَ وَ اللُّزُومُ

لِجَمَاعَتِهِمْ

پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود:

سه خصلت است که دل هیچ فرد مسلمانی به آن خیانت نکند: خالص نمودن عمل برای خدا، خیرخواهی پیشوایان مسلمین، همراه بودن با جماعت مسلمین.» (سیوطی، پیشین، ج ۷، ح ۲۳۸۲۲ و ر.ک: ح ۲۳۸۲۴، ۲۳۸۲۵ و ۲۳۸۲۷ تا ۲۳۸۳۰، ص ۴۸۴ تا ۴۸۶؛ کلینی، پیشین، ج ۱، ص ۴۰۳).

در این حدیث به راه کارهای اساسی اتحاد اسلامی اشاره شده است: خلوص عمل که باید جوهر عبادت و اعمال مسلمانان باشد؛ خیرخواهی پیشوایان که محور اتحاد بوده و اتحاد جز در سایه اطاعت

و فرمان بری از آنها میسر نیست، و همراه بودن با جماعت مسلمین که در واقع جدا نشدن و اختلاف و پراکندگی ایجاد نکردن در بین مسلمانان می‌باشد.

۱۹. هم‌بستگی مسلمانان نسبت به بیگانگان

«قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

الْمُسْلِمُونَ يَدُ عَلَى مَنْ سَوَاهُمْ تَتَكَافَأُ دِمَاؤُهُمْ.

پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود:

مسلمانان، یک دست [یک پارچه هم چون یک دست نیرومند] نسبت به بیگانگان هستند و خوششان برابر است.» (متقی هندی، پیشین، ج ۲، ح ۴۴۱، ص ۴۰۲ و ج ۱۱، ص ۳۱۶۴۷؛ کلینی، پیشین، با اندکی تفاوت: سیوطی، پیشین، ح ۲۳۴۶۹، ص ۴۳۵).

مسلمانان می‌توانند با اتحاد و یک‌پارچگی در مقابل تجاوز بیگانگان صف‌آرایی کنند. امام خمینی (قدس سره) در توضیح این حدیث مبارک می‌فرماید: «...حتی تعبیر دو دست نفرمودند، و باید شما اجتماع و وحدتتان را به جایی برسانید که بین خودتان جدایی نبینید و این دستور اسلامی است که با یک‌دیگر برادر باشید که هیچ قدرتی نتواند بر شما چیره شود.» (امام خمینی، ص ۱۶، ۱۰، ۶۱. به نقل از میرآقوی، ۱۳۷۹ ش).

۲۰. نرمی و آسان‌گیری، دو عامل اتحاد

«قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

الْمُؤْمِنُونَ هَيِّنُونَ هَيِّنُونَ كَالْجَمَلِ الْآلِفِ إِنْ قِيدَ إِنْقَادًا وَإِذَا أُنِيخَ عَلَى صَخْرَةٍ اسْتِنَاحَ.

پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود:

مؤمنان آسان‌گیر و نرم‌اند، هم‌چون اشتر دست‌آموز که اگر ریسمانش را بکشند، می‌رود و اگر او را بر سنگی بخوابانند، می‌خوابد.» (نهج‌الفصاحة، ح ۳۰۹۹، ص ۵۳۰؛ سیوطی، پیشین، ج ۳، ح ۲۳۴۷۲، ص ۴۳۵).

آسان‌گیری و نرمی دو عامل اصلی در تفاهات اجتماعی و فرهنگی بوده و سبب بقا و پیشرفت یک قوم و ملت است. اگر روح آسان‌گیری، تسامح و نرمی بر روابط فردی و اجتماعی یک ملت حاکم گردد اختلاف در سطح جامعه به وجود نخواهد آمد.

۲۱. تفرقه، باعث دین زدایی

«قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

أَلَا إِنَّ فِي التَّبَاغُضِ الْحَالِقَةَ^۱ لَا أَعْنِي خَالِقَهُ الشَّعْرَ وَ لَكِنْ خَالِقَهُ الدِّينَ.

پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود:

آگاه باشید که در دشمنی‌ها، ستردن و تراشیدن نهفته است، اما نه تراشیدن مو، بلکه ستردن دین.» (کلینی، پیشین، جلد ۲، ص ۳۴۶. با اندکی تفاوت در منابع گوناگون اهل سنت هم به همین مضمون روایت آمده است، از جمله این دو حدیث: أَلَا خَيْرَكُمْ بِأَفْضَلِ مِنْ دَرَجَةِ الصَّلَاةِ وَ الصِّيَامِ وَ الصَّدَقَةِ؟ قَالُوا: بَلَى، قَالَ: إِصْلَاحُ ذَاتِ التَّيْبِ، قَالَ: وَ فَسَادُ ذَاتِ الْبَيْنِ هِيَ الْحَالِقَةُ، وَ لَا أَقُولُ تُحَلِّقُ الشَّعْرَ وَ لَكِنْ تُحَلِّقُ الدِّينَ؛ قرشی دمشقی، ۱۴۲۰ق، ج ۲ و ۳، ص ۴۱۲ و ۹۰.

دَبَّ إِلَيْكُمْ دَاءُ الْأَمَمِ قَبْلَكُمْ أَحْسَدُ وَ الْبَغْضَاءُ وَ الْبَغْضَاءُ هِيَ الْحَالِقَةُ، خَالِقَةُ الدِّينِ لَا خَالِقَةُ الشَّعْرِ...؛ ابن حنبل، ج ۳، ص ۳۴۷.

دشمنی مسلمانان با یکدیگر باعث تضعیف نیرو و قدرت آنها می‌گردد و در نتیجه، دین و عظمت آن که جز در سایه اتحاد و هم‌بستگی مسلمانان بقا و دوام نمی‌یابد، از بین خواهد رفت. امروزه به خاطر همین کینه‌توزی‌ها و دشمنی‌های بی‌مورد و غیر معقول، بسیاری از ملت‌ها و کشورهای اسلامی، عظمت و قدرت خویش را از دست داده و اجانب بر آنان تسلط یافته‌اند.

۲۲. اختلاف، مایه دگرگونی قلب‌ها

«قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

إِسْتَوْوُوا وَلَا تَخْتَلِفُوا فَتَخْتَلِفَ قُلُوبُكُمْ.

پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود:

با یکدیگر برابر باشید و دگرگون مشوید که دل‌هایتان دگرگون می‌شود.» (نهج الفصاحه، ح ۲۸۸ و با

اندکی تفاوت: ح ۲۸۹ ص ۸۸؛ متقی هندی، پیشین، ح ۸۹۵).

برابری و مساوات نکته قوت اتحاد و وحدت ملت‌ها است و مسلمان باید این نکته قوت را حفظ نموده و از اختلافات پرهیز کند.

۱- الحالقه: مراد از حالقه قطع رحم و ظلم به یکدیگر هم می‌باشد؛ (لسان العرب، ج ۱۰، ص ۶۶).

۲۳. دایره مسلمانان

«قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

لَيْسَ مِنَّا مَنْ دَعَا إِلَى عَصَبِيَّةٍ^۱، وَ لَيْسَ مِنَّا مَنْ قَاتَلَ عَلَى عَصَبِيَّةٍ وَ لَيْسَ مِنَّا مَنْ مَاتَ عَلَى عَصَبِيَّةٍ.

پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود:

کسی که برای تعصب و عصبیت دعوت کند از ما نیست، و کسی که برای تعصب بجنگد از ما نیست، و کسی که بر عصبیت بمیرد از ما نیست.» (سجستانی ازدی، ح ۵۱۲۱ و با توضیحات بیشتر در مسند ابن راهویه، جزء ۱، ص ۹۲. مثل همین حدیث در کتاب‌های شیعه با مضمون دیگری آمده است: مَنْ تَعَصَّبَ وَ تُعَصَّبَ لَهُ فَقَدْ خَلَعَ رِبْقَةَ الْإِيمَانِ مِنْ عُنُقِهِ؛ کلینی، پیشین، ص ۳۰۸).

در این حدیث مبارک، پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ تعصب بی‌جا و باطل را مورد مذمت شدید قرار می‌دهد و دعوت به عصبیت و جنگیدن برای آن و مردن در حالت عصبیت را خروج از دایره اتحاد و اسلام می‌داند، زیرا تعصب‌ورزی بی‌جا عمده‌ترین عامل اختلاف میان مسلمان می‌باشد.

امام خمینی (قدس سره) در این باره می‌فرماید: «عصبیت، یکی از اخلاق باطنه نفسانیه است که آثار آن مداخله کردن و حمایت نمودن از خویشاوندان و مطلق متعلقان است، چه تعلق دینی و مذهبی و مسلکی باشد، یا تعلق وطنی و آب و خاکی و غیر آن، که منشأ بسیاری از مفاسد اخلاقی است و خود آن فی نفسه مذموم است گر چه برای حق با امر دینی باشد و منظور اظهار حق نباشد بلکه منظور غلبه خود با هم مسلک خود یا بستگان خود باشد.» (امام خمینی، چهل حدیث، ص ۱۲۵-۱۲۶).

۲۴. خیر خواهی برای اتحاد اسلامی

«قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

مَنْ يَضْمِنُ لِي خَمْسَةَ أَضْمِنُ لَهُ الْجَنَّةَ: النَّصِيحَةَ لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ، وَ النَّصِيحَةَ لِرَسُولِهِ، وَ النَّصِيحَةَ لِكِتَابِ اللَّهِ، وَ النَّصِيحَةَ لِدِينِ، وَ النَّصِيحَةَ لِجَمَاعَةِ الْمُسْلِمِينَ.

پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود:

هر کس پنج چیز را برای من ضمانت کند من نیز در عوض بهشت را برایش تضمین می‌نمایم: خیر خواهی برای خدا، خیر خواهی برای پیامبرش، خیر خواهی برای کتاب خدا، خیر خواهی برای

۱- عصبیة: دفاع از خویشاوندان و گروه چه ظالم باشد چه مظلوم.

دین اسلام و خیرخواهی برای جماعت مسلمین،» (طبرسی، ۱۳۸۵ق، ح ۳۱۰؛ مشابه این حدیث در کتاب‌های اهل سنت آمده است، از جمله شخصی معنی «الدِّينُ النَّصِيحَةُ» را از پیامبر گرامی اسلام می‌پرسد و ایشان می‌فرماید: مراد از آن خیر خواهی خدا، و برای کتاب خدا، و برای پیامبر خدا، و برای رهبران مسلمین و عامه مسلمین می‌باشد؛ صحیح مسلم، پیشین، ح ۵۵، ص ۵۵).

پیامبر اکرم ﷺ در این گفتار وحدت‌آمیز خواستار خیرخواهی برای جماعت مسلمین می‌باشد و آن را هم‌ردیف خیرخواهی برای خدا، پیامبر، قرآن و اسلام قرار داده است.

۲۵. محور اتحاد اسلامی

«قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: .. فَأَنْتُمْ «أَهْلَ الْبَيْتِ» أَهْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ الَّذِينَ بِهِمْ تَمَّتِ النِّعْمَةُ وَاجْتَمَعَتِ الْفُرْقَةُ وَانْتَلَفَتِ الْكَلِمَةُ. پیامبر اکرم ﷺ فرمود:

شما اهل بیت، اهل الله هستید که به برکت شما، نعمت کامل گشته و پراکندگی بر طرف شده و اتحاد کلمه پدید آمده است،» (کلینی، پیشین، ج ۱، ص ۴۴۶).

اتحاد و انسجام مسلمانان بر حول محور اهل بیت ﷺ امری ممکن و پسندیده است. همه مسلمانان جهان بر عظمت آن بزرگواران و نقش آنان در ترویج و تبیین دین مبین اسلام واقفاند؛ از این رو رفتار و گفتارشان می‌تواند الگو و نمونه برای مسلمانان باشد.

مقام معظم رهبری (دامت برکاته) در این باره می‌فرماید: «امیرالمؤمنین ﷺ محور وحدت است. همه دنیای اسلام در مقابل امیرالمؤمنین خاضع‌اند و عامه دنیای اسلام امیرالمؤمنین را تجلیل می‌کنند... درباره او اشعار مدح‌آمیز دارند، نه فقط درباره امیرالمؤمنین بلکه درباره همه یا اغلب ائمه معصومین ﷺ اینها خاضع‌اند.» (خطبه نماز جمعه تهران، ۱۳۸۳/۸/۱۵).

۲۶. خطر تکروی

«قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: ثَلَاثَةٌ لَأَسْأَلَ عَنْهُمْ: رَجُلٌ فَارَقَ الْجَمَاعَةَ وَ عَصَى إِمَامَهُ وَ مَاتَ عَاصِيًا وَ أُمَّةٌ أَوْ عَبْدٌ أَبَقَ مِنْ سَيِّدِهِ فَمَاتَ. وَ إِمْرَأَةٌ غَابَ عَنْهَا زَوْجُهَا وَ قَدْ كَفَّاهَا مُؤُونَةٌ الدُّنْيَا فَتَبَرَّجَتْ بَعْدَهُ، فَلَأَسْأَلَ عَنْهُمْ.. پیامبر اکرم ﷺ فرمود:

از سه کس می‌رس: ۱. مردی که از جماعت مسلمین دوری گزیند، و امام خود را نافرمانی کند، و در آن حال بمیرد؛ ۲. کنیز یا بنده‌ای که در حال گریز از آقای خود بمیرد؛ ۳. زنی که شوهرش از او دور باشد و مخارج او را بپردازد و در غیبت شوهرش، آرایش و خودنمایی کند؛ از اینها می‌رس.» (نهج الفصاحه، ح ۱۲۲۴).

از دیدگاه پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ کسی که از جماعت مسلمین فاصله گرفته و نیز امام مسلمین را که محور اتحاد و انسجام است، نافرمانی نماید عصیان نموده است و اگر در این حال بمیرد عاصی مرده است.

۲۷. وحدت شرط مسلمانی

«قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

مَنْ أَصْبَحَ وَلَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ مِنْهُمْ مَنْ سَمِعَ رَجُلًا يُنَادِي يَا لِلْمُسْلِمِينَ فَلَمْ يُجِبْهُ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ.

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

هر کس روز خویش را آغاز کند و به کارهای مسلمانان همت نگمارد، مسلمان نیست و هر کس بشنود که کسی مسلمانی را به کمک فرا می‌خواند، ولی پاسخش را ندهد، مسلمان نیست.» (حر عاملی، پیشین، ج ۱۶، ص ۳۳۶؛ کلینی، پیشین، ج ۲، ص ۱۶۳؛ با اندکی تفاوت: نهج الفصاحه، ح ۲۹۵۵، ص ۱۳۸۵).

اهتمام ورزیدن به امور مسلمانان در واقع نوعی هم‌بستگی و وحدت و هم‌دلی را در پی خواهد داشت و مسلمان کسی است که به فکر حل امور و مشکلات دیگر مسلمانان باشد. به گفته شهید مطهری «مسلمان شرط مسلمانی‌اش هم‌دردی و هم‌دلی است.» (مطهری، ۱۳۸۰ ش، ص ۲۸).

۲۸. نهی از ترساندن مسلمان

«قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

لَا تَرَوْعُوا الْمُسْلِمَ فَإِنَّ رَوْعَةَ الْمُسْلِمِ ظُلْمٌ عَظِيمٌ.

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

مسلمان را مترسانید، زیرا ترساندن او ستمی بزرگ است. (نهج الفصاحه، ح ۲۴۵۰، ص ۱۰۷ و با اندکی تفاوت: ح ۲۵۲۶ و ۲۹۰۱).

یکی از موانع اتحاد و انسجام مسلمین این است که رعب و وحشت در دل‌های آنان ایجاد گردد. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ترساندن مسلمان را مساوی با ظلمی بزرگ دانسته است. می‌توان گفت که ترساندن نوعی ترور و یا مقدمه ترور می‌باشد و پیامبر رحمت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مقدمه ترور را گناه و ظلم عظیم می‌شمارد. وای بر حال کسانی که به خاطر جهالت نسبت به آموزه‌های اسلامی و یا از روی تعصب و کینه‌توزی مسلمانان را به تروریست متهم می‌کنند و یا فتوای جاهلانه درباره کشتار و ترور فرد مسلمان و یا غیر مسلمان صادر می‌کنند.

۲۹. اطاعت، مساوی با وحدت

«قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:
إِسْمَعُوا وَأَطِيعُوا لِمَنْ وَاوَّاهَ اللَّهُ الْأَمْرُ، فَإِنَّهُ نِظَامُ الْإِسْلَامِ.
پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

به فرمان حاکمان الهی گوش فرا دهید و از آنها اطاعت کنید، زیرا اطاعت از رهبری مایه «وحدت امت اسلام» است،» (شیخ مفید، پیشین، ج ۱، ص ۱۴، مجلس ۲، ح ۲).
در این حدیث، به وحدت امت اسلامی اشاره شده که جز در سایه اطاعت و پیروی از حاکمان اسلامی میسر نیست، زیرا رهبریت و حاکمیت اسلامی نقش محوری در اتحاد اسلامی دارند و از این رو اطاعت آنها برای امت اسلامی واجب می‌باشد. در بسیاری از احادیث، رهبری و اطاعت از او به نخ تسیح که جلوی از هم پاشیدن دانه‌های آن را می‌گیرد و یا به چوب آسیاب که سنگ آسیاب را در توازن نگه می‌دارد، تشبیه شده است.

۳۰. ایمان، بنیاد اتحاد اسلامی

«قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:
الْمُؤْمِنُونَ كَالنَّفْسِ الْوَاحِدَةِ.
پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

مؤمنان هم‌چون یک روح هستند.» (رازی، پیشین، ج ۲، ص ۴۵۰).
در این حدیث، ایمان اساس وحدت و هم‌دلی معرفی شده است.
استاد شهید مطهری می‌گوید: «آن عاملی که واقعاً افراد را هم‌روح می‌کند، ایمان است. هرگز

تاریخ جهان اتحادی را که در میان هم‌دین‌ها و هم‌ایمان‌ها بوده است در میان گروه‌های دیگر نشان نداده است که اصلاً خودشان را یکی ببینند.» (جاوید موسوی، پیشین، ص ۱۰۱).

اقبال لاهوری چه زیبا سروده است:

مؤمنان معدود لیک ایمان یکی
جسمشان معدود لیکن جان یکی
(اقبال لاهوری، پیشین، ص ۱۷۹).

۳۱. پیامدهای اختلاف

«قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

مَا اخْتَلَفَ أُمَّةٌ بَعْدَ نَبِيِّهَا إِلَّا ظَهَرَ أَهْلُ بَاطِلِهَا عَلَى أَهْلِ حَقِّهَا.

پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود:

هیچ امتی پس از پیامبرشان، اختلاف نکردند مگر آن‌که گروه باطل بر حق گرایان چیره شدند.»
(متقی هندی، پیشین، ح ۹۲۹).

یعنی اهل باطل و گمراه فرصت‌طلب از اختلافات یک ملت به نفع خویش استفاده می‌کند و زمام امور آن ملت را به دست خویش می‌گیرد. این هشدار بود که پیامبر اکرم به امت واحده خویش گوشزد نمود تا مبدا این امت هم دچار سرنوشت امت گذشته گردد، ولی متأسفانه مسلمانان و به خصوص حاکمان دولت‌های اسلامی این هشدار را نادیده گرفته‌اند و از این رو در عصر حاضر شاهد سیطره و چیره‌گی اهل باطل بر مملکت‌های اسلامی و سرزمین‌های مسلمین هستیم.
رهبر معظم انقلاب (دامت برکاته) می‌فرماید: «امروز این ضعف و ذلتی که مسلمانان کشورهای در دنیا دچار آن شده‌اند، ناشی از همین تفرق و اختلاف است.» (روز ولادت پیامبر اکرم و امام صادق، ۱۳۷۲/۶/۱۴).

۳۲. اختلاف، موجب هلاکت

«قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

لَا تَخْتَلَفُوا، فَإِنَّ مِنْ كَانَ قَبْلَكُمْ اخْتَلَفُوا فَهَلَكُوا.

پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود:

اختلاف نکنید، آنان که قبل از شما بودند اختلاف کردند و هلاک شدند.» (متقی هندی، پیشین،

ح ۴۸۹).

یکی از پیامدهای مهم اختلاف ملتها هلاکت و نابودی آنها است. تاریخ شهادت می دهد که اقوام گذشته بر اثر اختلافات و تفرقه نابود شدند. قرآن کریم هم به صراحت به این پیامد نابودکننده اشاره می کند: «وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ» (انفال/۳۶).

اولین منادی اتحاد اسلامی در قرن بیستم، سید جمال الدین اسدآبادی، در این مورد می گوید: «تجربه تاریخی نشان می دهد که عروج و سقوط نژادها و اقوام و ملل در گرو اتحاد و عدم آن بوده است. این ناموس خداوندی است که نصیب هر ملتی از هستی، تنها به مقدار بهره ای است که از اتحاد و اتفاق برده است و خداوند هیچ قومی را هلاک نساخته مگر پس از آن که به تفرقه و نفاق مبتلا شدند.» (مقاله الوحدة و السياسة، ص ۷۴؛ به نقل از صاحبی، ۱۳۷۴ ش).

شهید مطهری نیز می گوید: «یکی از عواملی که مایه فنای اقوام است تفرق و تشتت است، دست شدن، فرقه فرقه شدن، دو قبیله شدن، هر دسته ای یک فکری، عقیده ای، مسلکی داشتن، هر دسته ای در گوشه ای یک کشور تشکیل دادن.» (مطهری، مجموعه آثار؛ ج ۲۵، ص ۳۰۷).

۳۳. عوامل مثبت اتحاد اسلامی

«قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

الْمُسْلِمُ أَخُو الْمُسْلِمِ لَا يَظْلِمُهُ وَلَا يُسْلِمُهُ وَمَنْ كَانَ فِي حَاجَةِ أَخِيهِ كَانَ اللَّهُ فِي حَاجَتِهِ وَمَنْ فَرَّجَ عَنْ مُسْلِمٍ كُرْبَةً فَرَّجَ اللَّهُ عَنْهُ كُرْبَةً مِنْ كُرْبَاتٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَمَنْ سَتَرَ مُسْلِمًا سَتَرَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود:

مسلمان برادر مسلمان است، نه به او ظلم می کند و نه از او دست بر می دارد تا هر کاری بخواهد انجام دهد [او را به حال خودش وا نمی گذارد] و کسی که حاجت برادر [مسلمان] خویش را بر آورده کند خدا حاجت او را بر آورده می کند، و کسی که مصیبتی را از مسلمانی دور کند خدا غمی از غم های روز قیامت را از او دور می نماید، و کسی که مسلمانی را بپوشاند خداوند در روز قیامت او را خواهد پوشاند.» (ابو عبدالله محمد بن اسماعیل، ج ۳، ص ۹۸).

یکی از عواملی که می تواند نقش مثبت و سازنده در امر اتحاد و انسجام مسلمانان داشته باشد کمک و یاری آنان نسبت به هم دیگر و به خصوص برطرف کردن نیازهای اقتصادی، اجتماعی، فردی و غم و اندوه یک دیگر است.

۳۴. اختلاف، نابودگر مسلمانان

«قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

إِذَا أَشَارَ الْمُسْلِمُ عَلَى أَخِيهِ الْمُسْلِمِ بِالسَّلَاحِ فَهُمَا عَلَى جُزْفٍ^۱ جَهَنَّمَ فَإِذَا قَتَلَهُ خَرَا جَمِيعًا فِيهَا.

پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود:

وقتی مسلمانان اسلحه ای علیه برادر مسلمان دیگر می‌کشد پس هر دوی آنها در آبکند دوزخ می‌باشند، و وقتی او را می‌کشد هر دو در آن می‌افتند.» (نسائی، پیشین، ح ۴۱۲۲، ص ۹۸۱؛ متقی هندی، پیشین، ح ۳۹۸۹۹).

اسلحه کشیدن مسلمانان بر روی یکدیگر، اتحاد و هم‌بستگی آنان را از بین می‌برد و نه فقط به ذلت و خواری در دنیا منجر می‌گردد بلکه در آخرت هم عذاب جهنم را برای آنها در پی خواهد داشت. بنابراین، در دوران ما کسانی که به اسم مسلمان علیه برادران مسلمان خود در دیگر کشورهای اسلامی اسلحه می‌کشند و آنان را به طرز فجیعی به قتل می‌رسانند، نمی‌توانند مسلمان باشند بلکه آلت و وسیله دست استعمار و دشمنان اسلام‌اند.

۳۵. سزای تفرقه انداز

«قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

لَا يَجِلُّ دَمُ امْرَأٍ مُسْلِمٍ إِلَّا يَأْخُذِي ثَلَاثِ النَّفْسِ بِالنَّفْسِ وَالنَّفْسُ بِالنَّفْسِ وَالزَّانِي وَالزَّانِيَةُ دِينَهُ الْمُفَارِقُ أَوْ الْمُفَارِقُ الْجَمَاعَةَ.

پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود:

ریختن خون مسلمان جز در سه حالت روا نمی‌باشد: کسی که مرتکب قتل نفس شود، مردی که زن داشته باشد و زنا کند، و کسی که از اسلام دست بردارد و یا از جماعت [مسلمین] جدا شود.» (ابن حنبل، جزء ۹، ح ۴۱۹۷، ص ۲۳۲؛ متقی هندی، پیشین، ح ۳۸۰).

از نگاه پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ کسی که از جماعت مسلمین دوری‌گزیند و باعث تفرقه مسلمین گردد باید از بین برود، زیرا بالاترین عامل شکست و ذلت و سقوط امت اسلامی و مسلمین تفرقه و اختلاف است و از این رو فتنه‌انگیز و تفرقه‌افکن مستوجب قتل است.

۱- جرف: یعنی پایه ضعیف.

۲- النَّفْسُ: زن بیوه و یا مردی که همسر داشته باشد؛ (لسان العرب، ج ۱، ص ۲۴۸).

۳۶. گستره اتحاد اسلامی

«قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

الْمُؤْمِنُونَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ نُصْحَةٌ^۱ وَادُّونَ^۲ وَإِنْ افْتَرَقَتْ مَنَازِلُهُمْ وَآبْدَانُهُمْ وَالْفَجْرَةُ^۳ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ غَشَشَةٌ^۳ يَتَخَادَلُونَ وَإِنْ اجْتَمَعَتْ مَنَازِلُهُمْ وَآبْدَانُهُمْ.

پیامبر اکرم ﷺ فرمود:

افراد با ایمان، بعضی برای بعضی دیگر خیرخواه هستند، با یکدیگر مهر و محبت می‌ورزند گر چه منزل‌هایشان و جسم‌هایشان از یکدیگر جدا است و گناهکاران، بعضی برای بعضی دیگر بدخواه هستند، یکدیگر را یاری نمی‌کند گرچه منزل‌هایشان و جسم‌هایشان یکی است.» (سیوطی، پیشین، ج ۳، ح ۲۳۶۱۶، ص ۴۵۳؛ متقی هندی، پیشین، ح ۷۵۷).

مؤمنین چون ایمان‌شان ملاک و اساس وحدت است هر جا که باشند دلشان برای یکدیگر می‌تپد و مرزها و محدودیت‌های جغرافیایی و منطقه‌ای و نسلی و نژادی و... مانع اتحاد آنها نمی‌شود. امام خمینی (قدس سره) می‌فرماید: «مرزها جدا، قلب‌ها با هم اگر چنانچه مسلمین با هم اتحاد کنند با حفظ مرزهای خودشان لکن قلب‌هایشان با هم متحد باشد اینها جمعیت کثیری هستند.» (امام خمینی، ج ۱۰، ص ۲۲۳).

اقبال لاهوری در این باره چنین سروده است:

جوهر ما با مقامی بسته نیست	باده تندش به جامی بسته نیست
هندی و چینی و سفال جام ماست	رومی و شامی گل اندام ماست
قلب ما از هند و روم و شام نیست	مرز و بوم او به جز اسلام نیست

(اقبال لاهوری، پیشین، ص ۱۷۹).

۳۷. اختلاف افکن، ملعون درگاه الهی

«قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

ثَلَاثَةٌ لَعَنَهُمُ اللَّهُ تَعَالَى: رَجُلٌ رَغِبَ عَنِ وَالِدَيْهِ وَرَجُلٌ سَعَى بَيْنَ رَجُلٍ وَامْرَأَةٍ يَفْرَقُ بَيْنَهُمَا ثُمَّ يَخْلُفُ عَلَيْهِمَا مِنْ بَعْدِهِ وَرَجُلٌ سَعَى بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ بِالْأَخَادِيثِ لِيَتَّبِعُوا أَوْ يَتَحَاسَدُوا.

۱- نصحة: نصح الشئ یعنی خلص و اصل النصح ای الخلوص؛ (لسان العرب، ج ۲، ص ۶۱۶).

۲- الفجرة: حلف فلان علی فجرة و اشتمل علی فجرة اذا ركب امرا قبيحا من يمين كاذب او زنا او كذب؛ (پیشین، ج ۵، ص ۴۷).

۳- غشش: الغش، نقيض النصح و هو مأخوذ من الغشش المشرب المكدرد؛ (پیشین، ج ۶، ص ۳۲۳).

پیامبر اکرم ﷺ فرمود:

خدا سه کس را لعنت کرده است: کسی که به پدر و مادرش بی‌اعتنایی بکند، کسی که میان مرد و زنی سعایت کند تا بین آنها جدایی و اختلاف بیندازد و سپس خودش با آن زن ازدواج کند، و کسی که میان مؤمنین سخن چینی کند تا آنان نسبت به یکدیگر دشمنی و حسد بورزند.» (متقی هندی، پیشین، ح ۴۳۹۳۰).

پدر و مادر، زن و شوهر و مؤمنین نوعی اتحاد و همبستگی را برای جامعه مسلمین به وجود آورده و نقش اساسی در یکپارچی جامعه ایفا می‌کنند. در قرآن هم اطاعت از پدر و مادر در چند جا هم‌ردیف توحید الهی دانسته شده است. هم‌چنین زن و شوهر منبع وحدت و مجسمه رحمت و مودت دانسته شده‌اند و از برادری و یکپارچگی مؤمنان به عنوان رحمت الهی نام برده شده است.

۳۸. اصول و مبانی اتحاد اسلامی

«قَالَ الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

و الظَّاهِرُ أَنَّ دِينَنَا وَاحِدٌ وَنَبِيِّنَا وَاحِدٌ وَدَعْوَتُنَا فِي الْإِسْلَامِ وَاحِدَةٌ...»

امیرمؤمنان علیؑ فرمود:

بدیهی است که پروردگار ما یکی است و پیغمبر ما یکی است و دعوت ما در اسلام یکی است.»

(نهج البلاغه، نامه ۵۸).

این جمله را امام علیؑ در نامه‌ای برای مردم جهان اسلام بیان نموده و در آن از سربیزی مردم شام شکایت کرده است که ما و آنها دارای یک دین و یک پیغمبر و یک رسالت و دعوت هستیم. پس از آن، در توضیح این جمله فرموده است: ما چیزی بیش از شامیان درباره ایمان به خدا و تصدیق رسولش نداریم، آنها نیز در این خصوص فزونی بر ما ندارند، ما و آنها در همه امور شریک و متحد هستیم.

رهبر معظم انقلاب (دامت برکاته) می‌فرماید: «اگر چه به نظر ما اختلاف شیعه و سنی، در حقیقت اختلاف نیست، زیرا اصول اصلی اسلامی که اگر کسی آنها را نداشت، مسلمان نیست، مشترک‌اند؛ یعنی هر دو مذهب، به قبله واحد، خدای واحد، پیامبر واحد، قرآن واحد و احکام و ارکان واحد اسلامی معتقدند.» (۱۳۶۸/۴/۴).

اقبال لاهوری در این مورد می‌گوید:

سود یکی است این ملت را هم نقصان یکی
پیامبر هم یکی است و نیز ایمان یکی
کعبه یکی، خدا یکی و قرآن هم یکی
چه کار بزرگی! گر بود مسلمان یکی
(اقبال لاهوری، کلیات اقبال، ص ۲۶۰).

۳۹. رهبر عامل وحدت

«قَالَتْ فَاطِمَةُ الرَّهَاءُ عَلَيْهَا السَّلَامُ:
.. وَ طَاعَتُنَا نِظَامًا لِلْمِلَّةِ وَ إِمَامَتُنَا لِمَا لِلْفِرْقَةِ وَ الْجِهَادُ عِزُّ الْإِسْلَامِ.
فاطمه زهرا ع فرمود:
پیروی از ما «اهل بیت» نظام امت، و رهبری ما عامل وحدت، و جهاد مایه عزت و سربلندی
اسلام است.» (اریلی، ۱۳۸۱ ق، ج ۲، ص ۱۰۹).

یکی دیگر از عوامل وحدت اسلامی رهبریت است. رهبر نقش اساسی در وحدت مسلمین ایفا
می‌کند، زیرا در نظام اسلامی محور و تکیه‌گاه مردم محسوب می‌شود و مردم در همه شئون زندگی
مادی و معنوی خویش به او پناه می‌برند و از رهنمودهایش در همه ابعاد زندگی استفاده می‌نمایند.

۴۰. شیوه‌های اتحاد اسلامی

«قَالَ الْإِمَامُ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ:
صَدَقَهُ يُجِبُّهَا اللَّهُ إِصْلَاحَ بَيْنِ النَّاسِ إِذَا تَفَاسَدُوا وَ تَقَارُبَ بَيْنَهُمْ إِذَا تَبَاعَدُوا.
امام صادق ع فرمود:
صدقه‌ای که خداوند آن را دوست دارد، ایجاد وحدت هنگام پیدایش اختلاف و تباهی امت، و
نزدیک کردن آنها در هنگام جدایی است.» (کلینی، پیشین، جلد ۲، ص ۲۰۹).
اصلاح ذات البین یکی از شیوه‌های اتحاد اسلامی است که قرآن هم بر آن تأکید می‌کند:
«مؤمنان برادر یک‌دیگرند پس میان برادران صلح و آشتی برقرار کنید.» در قرآن و کلام پیامبر ص
اهمیت زیادی به سالم‌سازی روابط انسانی داده شده است.
بر اساس این شیوه اگر فضایل اخلاقی در تمام سطوح و لایه‌های درونی جامعه توسعه پیدا کند

فضایی آکنده از انسانیت و اخلاق اسلامی همه جا را فرا می‌گیرد و هم‌بستگی درونی و معنوی میان مردم ایجاد می‌شود، که بر اثر آن، آنان نه تنها با هم‌دیگر اختلاف نکرده و هر کس راه جداگانه‌ای را برای خود انتخاب نمی‌کند، بلکه همه به یک‌دیگر احترام گذاشته و پیشنهادهای و خواسته‌های هم‌دیگر را می‌پذیرند و یاری نمودن هم‌نوع خود را افتخار می‌دانند.

منابع و مأخذ

- ۱- قرآن مجید.
- ۲- نهج البلاغه.
- ۳- مفاتیح الجنان.
- ۴- نهج الفصاحه.
- ۵- ابن ابی عاصم، السنه، المكتب الاسلامی، بیروت، چاپ اول، ۱۴۰۰ ق.
- ۶- ابن حنبل، ابو عبدالله احمد بن محمد، مسند احمد بن حنبل، دار صادر، بیروت.
- ۷- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ادب الحوزة، قم، ۱۴۰۵ ق.
- ۸- اربلی، علی بن حسین، كشف الغمة، مكتبة بنی هاشمی، تبریز، ۱۳۸۱ ق.
- ۹- اربلی، علی بن حسین، كشف الغمة، مكتبة بنی هاشمی، تبریز، ۱۳۸۱ ق.
- ۱۰- اقبال لاهوری، محمد، رموز بیخودی، كوه نور پریس، دهلی نو، ۱۹۹۷ م.
- ۱۱- اقبال لاهوری، محمد، کلیات اقبال، ندیم یونس پریترز، لاهور پاکستان.
- ۱۲- امام خمینی، چهل حدیث.
- ۱۳- امام خمینی، صحیفه نور.
- ۱۴- امیر اردوش، محمد حسین، تأملی بر مسئله وحدت از دیرباز تا دیروز، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، تهران، ۱۳۸۴ ش.
- ۱۵- بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، دار الفکر، بیروت، ۱۴۰۱ ق.
- ۱۶- بقایی ماکان، محمد، سونیش دینار (دیدگاه‌های علامه اقبال)، فردوس، تهران، ۱۳۸۰ ش.
- ۱۷- ترمذی، محمد بن عیسی، سنن الترمذی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۳۵۷ ق.
- ۱۸- جاوید موسوی، سید حمید، اتحاد اسلامی در آثار شهید مطهری، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۸۶ ش.

- ۱۹- حرانی، ابو محمد حسن بن علی، تحف العقول، مکتب بصیرتی، قم، ۱۳۹۴ق.
- ۲۰- حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، مؤسسه آل البيت، قم، ۱۴۰۹ق.
- ۲۱- حنظلی مروزی، اسحاق بن ابراهیم بن محمد، مستند ابن راهویه، دارالکتاب العربی، بیروت، ۱۴۲۳ق.
- ۲۲- رازی، ابوالفتوح، تفسیر ابوالفتوح، شرکت به نشر، مشهد، ۱۳۸۱ ش.
- ۲۳- سبزیان، علی اکبر، منشور اتحاد ملی و انسجام اسلامی، انتشارات خادم الرضا، ۱۳۸۶ش، چاپ اول.
- ۲۴- سجستانی ازدی، سلیمان بن اشعث، سنن ابی داود، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ج ۲.
- ۲۵- سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن، جامع الاحادیث، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۴ق.
- ۲۶- شیخ مفید، امالی، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
- ۲۷- صاحبی، محمدجواد، اندیشه اصلاحی در نهضت های اسلامی اخیر، دفتر تبلیغات اسلامی قم، ۱۳۷۴ش.
- ۲۸- صدوق، محمد بن علی، معانی الاخبار، مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرّسین، قم، چاپ چهارم، ۱۴۱۸ق.
- ۲۹- طبرسی، علی بن حسن، مشکاة الانوار، مکتبه حیدریه، نجف، ۱۳۸۵ق.
- ۳۰- قرشی دمشقی، ابوالفداء اسماعیل بن محمد کثیر، تفسیر ابن کثیر، دار طیبه للنشر و التوزیع، الرياض، ۱۴۲۰ق.
- ۳۱- قزوینی، ابو عبدالله محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۵ق.
- ۳۲- قشیری، مسلم، صحیح مسلم، دارالفکر، بیروت، ۱۴۲۱ق.
- ۳۳- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، دار الکتب الاسلامیه، طهران، ۱۳۶۵ش.
- ۳۴- مالک بن انس، الموطأ، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۴ق.
- ۳۵- متقی هندی، علاءالدین بن علی، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، مؤسسه الرساله، بیروت، ۱۴۰۹ق.
- ۳۶- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، موسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۴ق.
- ۳۷- مطهری، مجموعه آثار، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۸۰ش.
- ۳۸- مطهری، مرتضی، احیای تفکر اسلامی، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۸۰ش.

۳۹- مطهری، مرتضی، مجموعه آثار.

۴۰- مطهری، مرتضی، یاداشتهای شهید مطهری، انتشارات صدرا، تهران.

۴۱- معالم الحکومه.

۴۲- میرآقوی، سید جلال، جهان اسلام مشکلات و راهکارها، مجمع جهانی تقریب مذاهب

اسلامی، تهران، ۱۳۷۹ش.

۴۳- نرم افزار المكتبة الشاملة.

۴۴- نرم افزار جامع الاحديث.

۴۵- نسائی، ابو عبدالرحمن بن شعیب، سنن النسائی، دار الفکر، بیروت، ۱۴۲۱ق.

۴۶- www.leader.ir

